

بسم الله الرحمن الرحيم

* نخاع الخاصة *

ولایت : آذربایجان شرقی ، مازندران
« خان النخل و الجبن و الحوص غراس سنی یجمعها سوذ الطبق بالمر » حفت البرد
انبياء : انبياء پیش مردم با جنت نداشتند ، ترد علماء بانگوشان در حضرت اولیاء با بستان
با اصل نظر بوسیله اشارت سخن می گویند (طرفة العين) و با هم با سکوت (در حضرت)
چیزی برای گفتن ندارند فقط از صحبت هم استفاده می کنند؟! ۱۱، ۲، ۷۷ آثار الهی

« در کوی جیشان کج »
مرحوم شیخ محمد مجتهد الهضری حمدانی (قدس سره)

خفة و اصول و طبخه یونانی و معرفه النفس
و علم احداث که علوم که خوانند
(۱۲۸۰ - ۱۳۵۹ هـ ش)

ایشان می فرمایند : در نوع ساکت دارم که
دلت ساکت مجذوب : و آن کسی است که تدش می کشد و عبادتی انجام می دهد تا
جذب الهی او بخورد : « سخن کمان بر جوانی در به نفع عمل عبادت »

مجدوب ساکت : و آن کسی است که از اول جذب الهی به او می خورد و
این دوستی با اوست چون از اول عبادت را با رعیت انجام
بمطبی به خورد عودم و به اول فرغ کرده بسیار است

« ... بر خورد مردم به سید بزرگاری به نام سید محمد ، مؤالای مردم ، خورداری
کرد ، اقرار کردم ، قول گرفت که دی گیس کنم ، از حالت فنا پر سیدم
گفت ای سال دیگر ، گفتم قلیل جدا جدا رفت ، فرمود بین چهار و پنج سال با
تفریح و ریاضت و خوش فتم می خورد ... » کتاب اسرار الصلوة از ایشان

« ... او تنها کسی است که مستقیماً توحید را از خدا گرفته است »
آیه الهی تا منی بزرگی طبع طبع در

« مکاشفات بر چند گونه است : ① مکاشفات مادی و طبیعی : علوم طبیعی و حسیت را نشان این
 ② مکاشفات قلبیه : تجسم بعضی از معانی و صورتهای در بیداری
 ③ مکاشفات روحیه : احاطه بر حقایق و اشیاء و طی الارض و لغی در حوا، عبور از آتش و تصرف نفوس
 بر حریف یا صفت و تصرف در افعال عبادت به واسطه قدرت روح

④ مکاشفات سریه : کشف اسرار عالم وجود و المذبح بر معانی کلیه و کشف غنای و اسما، کلیه الهیه
 ⑤ مکاشفات ذاتیه : ادراک حقیقت هستی و آثار آن، تزیین کردن حکم بر عالم امکان و مصدر تقنا و قدرت
 و صفت الهیه و مصدر تشریح و وحی و احاطه بر جمیع عوالم نازله و کسبیت تحقق عبادت
 و ربط آن به عوالم ربوبی و اتحاد وحدت و کثرت ..

من حدیث روح
 مشرب بین کافران و مؤمنان

و سانه سید سلوک مندوب به عبادت بحرا العلوم

سید فارزند راننی تدرای آن آمد و اقرار کرد که طی الارض و علم کیمیا را به
 ایشان آموخت و بعد در این استنطاق فرموده گفتند ما هرگز را در علم و
 آن تو حید است، بر نامه دین و عبادات بار رسیدن به مقام تو حید است نه
 بدست آوردن این امور و بل برای آدم شدن است.

آیه اله انضاری به سه شخصیت هم احترام فوق العاده لری قابل بوده ؛ مرحوم
 سید علی ابن طابوس و مرحوم حافظ و مرحوم آخوند ملا حسینقلی حمدانی
 « بدون عمل به احکام شرع، با کمک راه به جائی نمی برد » انضاری حمدانی (ره)
 « در او شرف با ریاضت نفس خود را قوی می کند و این عطا است با این که هر نفس خود را قوی سازند »
 « تبعیت کامل از علی، شرع او این قدم ساکن است و خط نهم بدین هم عطا، هر تبعیت است »

« ابتدا تعریف خود را با خلق خدا پاک کنید، سپس حجاب را که با پروردگار داشته اید و ناقص بوده اند درست کنید، سپس خود را با بیگانه‌ها که داشته‌اند افراد را به پاک کردن درون دایمی داشته‌اند»
« مکانها و خودهای صادق برای مسکن حالات هستند و باید از ریاضت

و مراقبت و دست بردارند تا این حالات تبدیل به مقامات شود مانند حوض گل آلودی که گلش تازه نشین شود اگر شیشه را بزنند دوباره گل آلود می‌گردد باید گل به طور کامل زایل شود»
چگونه بین افرادی که ادعای رسیدن به مقامات می‌کنند راستگو را بشناسیم؟

« دوزخ نه دارد، اول اینکه این افراد خلاف شرع نمی‌کنند و دوم اینکه نشانه در مجلس آنرا التماس در روز ایجاد می‌کند.»

پس ای تمسک در نماز؟ « نماز را ترک نکن و حیوان کم بخورد»
« به انجام منتهیات و ترک مکروهات اکتفا داشته، عمل جمعه را احمیت نه داند.»

عصرها اغلب صبح تم زدن و فکر بیرون می‌رند و آخر الامر به قبرستان می‌روند؟ در یک سواری سواری بودند
در این اثنا که زن به حجاب هم سواری بود، این را دیدند و با آن یکم ضعف و لاغر پیاده به مهر می‌زدند.
ضعف صادق است؛ این دعا بخوان تا ایمان تو ثابت و با پروردگار نه زائل شدی، دعا را بعد از

حرمات واجب بخوان: رَضِيْتُ بِاللهِ رَبًّا وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا
وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَ بِالْكَعْبَةِ عَقْبَةً وَ بِعَلِيِّ وَآلِهِ وَ إِمَامًا وَ

بِأَحْسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ
اللَّهُمَّ إِنِّي رَضِيْتُ بِكُمْ أُمَّةً فَأَرْضِنِي لَكُمْ إِنَّكَ عَلِيٌّ عَلَى شَيْءٍ قَدِيرٌ.

کے نسب ایسا ہے میر تقی میر (میرزا) سرسید و مؤسس سلطنت عثمانیہ طبرستان
و آمل و از طریق وی بہ حسین امیر، فرزند امام سجادی (ع) =

* در این کتاب شرح مذاکرہ رائیسا بہ کرات با نام زمان (عج) آمده است!

« برهان قانع » (پیرامون قیامت) صدادوں « علی اکبر سیفی »
= اثبات و تشریح قیامت =

= قیامت یعنی چھ؟

① آتہ و نفاذ عدل ② قیام سرحد و ملائکہ بجا رہی
③ برپائی تمام مردگان ④ منظر پس دادن حساب اعمال
انسان وجود دارد لکن با وجود
صدر در قیامت آن ہم فانی

* بدون تردید اصل برپائی قیامت در زمین تکمیل می یابد!

حتم بن حکم از امام صادق (ع)

بخارج ۶ ص ۷۰

علام قیامت : ① نشانه هر عمومی (افزایش فساد، ظلم، جور و...) ②

خروج یا خروج و عروج

③ خروج دابہ الارض

④ طوع عزم سید از مغرب ⑤ خروج یغمانی

⑥ دخان ⑦ چهل روز با باران استوائی

⑧ خروج ذوال ⑨ برخواستن آتش از کعبه

شماره های آغاز قیامت :

فردوسی نظام آسمان

تیرگی ستارگان

زین برزخ و پیروی

نگاه منی کوهها

ابنای زمین

غواص و جوش آب دریاها

ج دوم

شماره های قیامت :

دوم ۷ - ق ۲۲ - لیل ۱۵ ① الیوم الآخر [روز پایانی] عکسرت ۲۰۶۴ - معصن ۸۴ - غافر ۴۹

زخرف ۲۶ - یس ۵۰ ② الاخره [زمان کوچ بزرگ کننده و تنگ وقت] غافر ۱۸ - یس ۵۷

③ یوم الیم [درناک و دردآور (صفت مشبهه)]

④ یوم العیث [برانگیخته شدن]

⑤ یوم التغابن [وارد کردن حیلان بطور پنهانی ، زیادی و کثرت چیز از دست رفتن]

⑥ یوم التلاق [مواجهه و برخورد کردن ، برخورد با مردم رسوون]

⑦ یوم التناد [فریاد از جهنم (به شدت دال) ، مدد از آن و فرار کردن از آن]

⑧ یوم الثقیل [سخت و دشوار]

⑨ یوم الجمع [گردآوری و جمع کردن است]

⑩ الحاقه [هر بدیهه در حداد حق و نایب و دارار و احصیت و تقنی]

⑪ یوم الحساب [نمودن دانه دانه ، محاسبه و کنترل ، کفایت کردن و از عهد و پیمانگی]

⑤

⑥

①

بخارج ۷، ص ۶۹

موارد سوال :

- ① سوال از نعمت [نورالتقین ج ۵ ص ۶۶۴ و ۶۶۵ و ج ۴ ص ۱۶۵]
- ② سوال از اعمال [نهج البلاغه خطبه ۴۲ و صکت ۴۴]
- ③ " عهد و پیمان [نورالتقین ج ۵ ص ۶۶۴ | نهج خطبه ۸۲]
- ④ " لوازم زندگی
- ⑤ " گفتار از گفته سوالی شود [بخارج ۷ ص ۲۷۹]

آسان گفته های صاحب :

- ① صدر ارحم [بخارج ۷ ص ۲۷۴ و ج ۷ ص ۷۵ و میزان ج ۲ ص ۴۱۲]
- ② حجم پولی از اشتباه در تراخ
- ③ قرأت بعضی سوره ها
- ④ حلول دادن قنوت [بخارج ۷ ص ۷۴]
- ⑤ زیارت ائمه [بخارج ۷ ص ۲۹۱ و ۲۹۲]
- ⑥ صحیحین [بخارج ۶۸ ص ۴۸۴ و ج ۷ ص ۱۸۷]
- ⑦ قناعت [بخارج ۶۹ ص ۴۹]

-
- ⑫ یوم الحسرة [از دست دادن قدرت بر عبادات، صمیمت خیران، بیداری و توجه]
 - ⑬ یوم الحسرة [گردآوری توأم با درهم شستن و رانیدن و لوق دادن از جا برکنش]
 - ⑭ ایوم الحق [هر چیز واقعی و انسانی، آنچه حکمت دارد، شایسته و مناسبان]
 - ⑮ یوم الخروج [بیرون آمدن و تراخ از قبور با دیدن صدر]
 - ⑯ یوم الخلود [مصونیت از فساد و تباهی و ثبات بر حالت ابدی]

(۱۷) یوم الدین [عبادات و یادداشت دادن ، انقیاد و اطاعت]

(۱۸) اطعمه الکبری [طغیان و فرائد کا نامی از کثرت و فراوانی]

(۱۹) یوماً عبیباً قطریاً [تہمت و واخوہ]

(۲۰) یوم عبیر [سنت در سواری]

(۲۱) یوم عظیم [ہم و بزرگ]

(۲۲) یوم کبیر [مقابل صغیر]

(۲۳) الغاصیۃ [در بر کوبیدن ، تارک کتہ و چون شدہ ، تارک احوال کتہ]

(۲۴) یوم العضل [جدا کردن ، تمیز بین امور]

(۲۵) القارۃ [کوبیدن و بر جھوڑا شدن ، صاف و بر جھنک زدن از درخت]

(۲۶) یوم محیط [فرا کوبیدن اس کماثخ را گزینی از آن سبب]

(۲۷) یوم مشہود [ہوجہ معلوم از طریق دیدن و مشاہدہ]

(۲۸) یوم معلوم [دانستہ شدہ]

(۲۹) الیوم الموعود [وعدہ دادہ شدہ]

(۳۰) الواقۃ [حادثہ و رخداد فائزوار ، سقوط و افتادن]

(۳۱) یوم الوعدۃ [وعدہ عذاب]

(۳۲) الساعۃ [جزا کوٹاھی از زمان ، لمحظ]

موجبات حسرت

۱۔ ہی اعتسی بہ فصیح انبیاء و اولیاء

۲۔ معاشرت با برین بد

۳۔ ناکاھی از شیعہ کار [ہی ج ۲۶ ص ۲۱۸]

۴ - نگاه بنامحرم [در نزالسید ج ۱۸ ص ۱۱۴ و ج ۱۴ ص ۱۲۸

۵ - عدم صرف داران در راه خیر [بخارج ج ۱ ص ۱۶۱

۶ - نپذیرفتن ولایت علی (ع) [بخارج ج ۱ ص ۱۶۱ و ج ۱۹ ص ۲۵۲

۷ - گفتار بدون عمل [بخارج ج ۱ ص ۱۵۰ و نزالسید ص ۴۹۴ ج ۴

۸ - عمل برای غیر خدا [نزالسید ج ۴ ص ۴۹۵ و ص ۹

۹ - غفلت از حق [بخارج ج ۲ ص ۱۰۶ و ص ۴ و ج ۴۲ ص ۲۱۷ و ج ۶۵ ص ۲۸۴

۱۰ - خرد محوری [بخارج ج ۷۲ ص ۴۶۸ و ج ۶۹ ص ۴۲ و ج ۷۰ ص ۲۵۷

۱۱ - حادیت [بخارج ج ۷۰ ص ۴۵۵ و ج ۷۰ ص ۴۲۲

نزالسید ج ۵ ص ۵۴۷

انام صاحبی

۱ - ناله کر به حساب وارد نیست و گویند

۲ - حساب نماند است

۳ - نعمت و شکر است بخارج ج ۷۹ ص ۱۲۸

۴ - بدون حساب وارد دوزخ می گویند بخارج ج ۶۶ ص ۲۴۵

نزالسید ج ۷ ص ۲۶۰ و ج ۶۹ ص ۲۵

بخارج ج ۷۲ ص ۴۶ بخارج ج ۷ ص ۲۶۶

حضرت علی (ع) فرمودند:

خداوند به موسی بن عمران وحی کرد:

من شش چیز را در شش محل قرار دادم اما مردم در شش محل دیگر آنها را می جویند ولی هرگز نمی یابند:

علم را در گورسنگی قرار دادم ← مردم در سبزی می جویند و هرگز نمی یابند

عزت را در نماز شب قرار دادم ← مردم در دربار پادشاهان می جویند

ثروت را در قناعت قرار دادم ← مردم در عارضه‌ها (سپت و مقام) «

سربندی را در تواضع « ← مردم در تکبر و عنود «

استجابیت دعا را در رزق حلال قرار دادم ← مردم در حق و حال (خواستش بدون اعتدال) «

آسایش را در بهشت قرار دادم ← مردم در دنیا طلب می کنند «

ادبیات فارسی و دهخوی ص ۱۲۲ فالکسی در بیت سحر و ولایت حکیم زرد (محمد صیغ لودی)

تا ابد دین نهد هر سحر و هر دمانه سوخت

نام ایرانشین در سینه ای است !

موشح

صندوق الواسط ج ۷ ص ۴۲۲ مطر ۵ سون ۸

بحر الانوار ج ۱۸ ص ۴۹۱ مطر ۱۲ سون ۵

« « « « « «

« « « « « «

مجمع التوائد و منبع الفوائد ج ۴ ص ۱۴۱ و ۱۴۲

« « « « « «

« « « « « «

کثر العال ج ۸ ص ۴۷۱

الدر المنثور ۱ ۱۸۶

تأویل الآیات ۱ ۲۶۸

شرح الاسماء الحسنی ۱ ۱۰۹

كتاب العين ج ٧ ص ٢٦٥
الهداية والنزاهة ج ١٢ ص ٤٨ ابن كثير رحمه الله

وقد تبيننا

«سبحان من زكّاه» رضا حجازي
عماد صفيح: «إني رأيت أنه لا يكتب أسناناً كتاباً في يومه إلا قال في عنده: لو غير
هذا لكان أحسن ولو زيد كذا لكان يُستحسن ولو قُدّم هذا
لكان أفضل ولو ترك هذا لكان أجمل وهذا من أعظم العجز وهو
دليل على استيلاء النقص على جملة البشر» معجم الأدباء

«نكته في سير ابن ولدت فيهم وحكومت دين» حضرت آية الله العظمى مظاهري

«فوالله إن الرجل ليكون له النعم فيها الراعي فإذا وجد
رجلاً هو أعلم بفضله من الذي هو فيها يخرجها ويحيى بذلك الرجل الذي
هو أعلم بفضله من الذي كان فيها» (أم صدر) (عبدالله)